

یادداشت روز

بیشتر اظهار نظر ها درباره

چخوف، جعلی است

حمیدرضا آتش برآب

hamid_atash@yahoo.com

خواننده مهربانم، در نهایت شرمندگی ناچارم اینجا از شما بخواهم کلاhestان را بردارد. مقصودم این نیست که شما باید از سر احترام حرکتی کنید (که البته، کمترین وظیفه شما در برابر نایغه ما خواهد بود)، فقط می خواهم هشدار دهم کلاه با هر چیزی را که به شکلی موجه زیر آن نهان شده اید و ادایی درمی آورید، دودستی بچسبید که آقای چخوف آن را بر خواهد داشت. نایغه بی رحم ما لحنهایی را عراست شما را می کند. مخصوصاً آن عدهای مراقب باشند که قرار است آخر هر داستانی ببرسند پس چرا آقای چخوف به ما نشان نداد که انسان توانا چطور باید میان این همه پستی و زدالت زندگی کند؟ چخوف، خود اغلب به چنین پرسش هایی پاسخی از این دست داده است: سعی کنید کمتر بنوشید! در ارزشیابی چخوف حتی نایغ هم دچار خطا شده اند و استعدادش را با واژه های رقت باری نظیر خلقی سادگی و تصویرگر احساسات روشن توصیف کرده اند که هنوز هم ورد زبان هاست. اساساً بیشتر اظهار نظر ها درباره او جعلی است و ارزش تأمل ندارد. حتی تصور درستی درباره زبان چخوف هم وجود ندارد. خلاف ذهنیت معمول، تر ترجمه چخوف نیز از دشواری های وحشتناک تر ترجمه آثار روسی و زبانش بسیار پیچیده تر از اغلب معاصرانش است و ظاهر ساده و مفهوم داستان هایش هیچ ربطی به جدیت و درهمتندگی زبان روسی او ندارد. اصولاً چخوف با کسی شوخی ندارد برای همین هم طنزش شاهکار است. شکسپیر بدمی نوشت! اما تو از او هم بدتری می نویسی! شاید فقط تولستوی همیشه صریح بود که توانست، با چنین طنزی به برندگی طنز خود چخوف، درباره اش درست قضاوت کند. یادمان باشد که سوزه داستان چخوف همیشه در معضلی که نویسنده پیش می کشد، سقوط می کند! اما مفهوم سوزه معلوم است: با تخریب تدریجی و مرگ آهسته در سرپوش فریب و دروغ با برداشتن این سرپوش زائد، همه آن چیزی که باعث می شود داستان عمیق تر باشد، فراپند گردیدی اخلاقی انسان، آن زندگی دیگر و جریان مخفیانه زیر سرپوش فریب و دروغ و حقیقت مشروط است، آن هم متفاوت از تمام داستان های مشابه در ادبیات جهان. پس از این افشاگری مدام، آقای چخوف به لبه برنگاه دهشتناک مابین دو جهان رفت؛ جهان واقعیت مشروعی که از آن گرخته بود و جهان خیال و آرمانی که دیرری بود، آن را نمی یافت. آقای چخوف در روش جدیدش حقیقت را در نست های غریب و بی سابقه ای عرضه می کند و هر گز هم به ما یاد نمی دهد چطور بنویسیم، با این وجود متفکری اصیل است که بسیار می توان از وی آموخت، به خصوص عشق ورزی و در ک انسان ها و زندگی را. چخوف بالاترین جایگاه را در میان نثر نویسان روسی دارد و این باعث فراموشی تفاوت اساسی او با سایرین می شود. داستان از این قرار است که استادان بزرگ نثر روسی، از خود آثاری برجای گذاشته اند که آن ها را بنابر شکل واحدشان می توان معتبر شمرد؛ یعنی چه؟ یعنی که هر کدام از بزرگان ادبیات روسی پیش از چخوف، می تواند دست کم یک اثر و اغلب حتی چندین رمان بلند ارائه دهد که آن رمان ها، در همان زمان با خود عنوان کلاسیک هم معنا شده اند. همه چنین اند به جز چخوف، چخوف در طول زندگی کوتاهش، آثار زیادی به جز چخوف. چخوف در طول زندگی کوتاهش، آثار زیادی برجای گذاشت؛ اما رمانی به این تعریف نداشت. اینجا تناقض ظریفی به وجود می آید که نیازمند تأمل بیشتری است. باید دانست که همیشه در ذهن خواننده روسی، کیفیت بافت کلامی نثر، کمتر از اهمیت و دقت و جدیت یک رمان بلند است، به عبارت دیگر، این رمان بزرگ است که نویسنده را به سطح به بالاتری می کشاند و تقریباً استثنایی هم وجود ندارد. با تمام این ها، چرا می گویم چخوف داستان کوتاه نویس و نمایشنامه نویس، با بالاترین رتبه، بی تردید در رده رمان نویسان برجسته قرار دارد؟ از ادعای ماشیهایی ایجاد می شود: شاید این پدیده ذکر شده ادبیات روسیه تا حدی ویژگی های ژانر داستان های چخوف را توضیح می دهد یا شاید این واقعیت دارد که بسیاری از داستان های چخوف را توضیح می دهد یا شاید این واقعیت دارد که بسیاری از داستان های چخوف، فقط

احتمال ساخت فصل ششم «فرار از زندان»

صبا: دومینیک پورسل که در سریال «فرار از زندان» در نقش «لینکلن باز» برادر قهرمان اصلی به ایفای نقش پرداخته بود، با به اشتراک گذاشتن پستی در صفحه اینستاگرامش از کار روی فصل ششم این سریال خبر داد. فرار از زندان (Prison Break) مجموعه تلویزیونی درام آمریکایی ساخته پل شیورینگ است. این سریال از سال ۲۰۰۵ تاکنون در قالب پنج فصل پخش شده است. داستان آن در مورد دو برادر است که یکی از آن ها به خاطر جرم مرتکب نشده به مرگ محکوم شده و دیگری برای نجات برادر خود، نقشه می کشد.

سریال

گفت و گو با شهریانو منصوریان به مناسبت اکران «صفر تاسکو»

فیلم بازی نکر دیم

میلاد مرتجی اگر وه فرهنگ هنر
 Milad3336@yahoo.com

سه ورزشکار، خواهرانی از جنس آهن و فولاد، از جنس سختی، شکست و پیروزی. خواهران منصوریان قهرمانان ووشو کار ایرانی هستند که در جهان آوازه آن ها پیچیده است؛ خواهرانی که با تلاش و سختی، از صفر به سکو رسیدند. سحر مصیبی که سال هاست در فضای سینما در سمت هایی چون دستیار، برنامه ریز، بازیگری و مدیر تولیدی فعالیت کرده در نخستین تجربه کارگردانی خود به سراغ مستندی از زندگی خواهران منصوریان تحت عنوان صفر تا سکو رفته است. او با تمرکز سه ساله، به نمایش لحظات شادی و غم این قهرمانان پرداخته و مخاطب را ۹۰ دقیقه با این خواهران همراه می کند تا با قهرمانان کشور پیش آشنا شود. در ادامه گفت و گو با شهریانو منصوریان را می خوانید:

❧ خانم منصوریان، انتظار این میزان از استقبال مخاطبان را داشتید؟

شهریانو منصوریان: بله. قصه فیلم جالب بود و انتظار داشتیم که توجه مخاطب را جلب کند ما در کل دنیا خانواده ای نداریم که سه ملی پوش در آن وجود داشته باشند. فقط در آفریقا دو خواهر تنیسور حضور دارند ولی قصه آن ها هم شباهت زیادی به قصه ما نداشته. قصه فیلم مستند صفر تاسکو» که داستان همت و موفقیت آسیایی سه خواهر پس از گذراندن شرایط نامطلوب مالی است، برای مردم ما جذاب است و تا حدی انتظار چنین بازخوردی از سوی مخاطبان این فیلم وجود داشت.

❧ شما خودتان چقدر مستندهایی را که راجع به زندگی ورزشکار ها ساخته شده بود، دیده بودید؟

دو فیلم مستند ورزشی دیده بودم که چندان برام جذابیت نداشتند. نکته جالبی که در مورد فیلم ما و حضور من و خواهرانم وجود داشت، این بود که ما فیلم بازی نکر دیم؛ بلکه ره چه شما در

گفتم که می خواهم قصه زندگی مان را به خانم مصیبی بگویم تا ببینم امکان ساختن فیلمی در



این زمینه وجود دارد یا نه؟ الهه مخالفت می کرد اما من در نهایت قصه زندگی مان را به خانم مصیبی گفتم و ایشان همان موقع گفت که این فیلم باید ساخته شود. ۲-۴ ماه بعد استارت فیلم را زد و فیلمی که من فکر می کردم در دو روز ساخته می شود، ۳ سال طول کشید. در این سه

از هفت نویسنده معاصر روس (دینا روبینا، لودمیلای اولیتسکیا، لودمیلای پتروشفسکیا، آندری گلاسیموف، ویکتور پلنین، میخائیل پلیمزافوف و زاکار پریلیپین) است که وجه اشتراک آن ها فضای داستانی جامعه و جهان منظم و نامهربان روسیه بعد از انقلاب شوروی است. ویژگی مثبت کتاب این است که در ابتدای داستان ها مختصری به زندگینامه و آثار هر نویسنده اشاره می شود. برای خوانندگانی که ادبیات روس را با چخوف، پوشکین، گوگول، داستایوفسکی و بسیاری دیگر می شناسند، این اثر در چهای از ادبیات معاصر روس به روی آن ها می گشاید. در این داستان ها با شخصیت هایی مواجه می شویم که به خوبی

علی معلم دامغانی:

تابلوها باید توسط کارشناسان خبره به حراج برسند



چون ما به آثار تجسمی و هنر ارزش کالایی نداده ایم، خریداران آن هنوز هم دولت ها هستند. معلم دامغانی در جواب این سؤال که چرا مدتی است برخی از کتاب های شعر، بی محتوا و دور از فن شعر است، شُعرا با اصول اولیه شعر آشنا نیستند و این کتاب ها توسط ناشران مختلف هم چاپ می شود، به صبا گفت: بحث ساختار یا ندیشه، تکنیک یا آرت یا هر دو مطرح است و

تلفیقی از چشم و پنجره

نمایشگاه عکس «هاضی سکوت» توسط افسانه پلویی از جمعه ۲۴ آذر در گالری آبتین برپا شد؛ نمایشگاهی که آثار آن با استفاده از تکنیک فوتومونتاژ شکل گرفته اند. «هاضی سکوت» مجموعه ای است از تصویرسازی های مفهومی با تکنیک فوتو مونتاژ؛ تر کیبی از پنجره که به ضرورت های کاربرد ی بنا، جغرافیا و تاریخشان همگی دارای معنا هستند و چشم ها که پنجره هایی رو به «هن» درون است و معرف تمامیت آنچه آدمی را در یک نگاه می شناساند.

سینما

فروش «خالتور» از مرز پنج میلیارد تومان گذشت

هنر آنلاین: در حالی که تعداد فیلم های اجتماعی در حال اکران کم شمار نیستند؛ اما جدول فروش نشان از این دارد که همچنان فیلم های کمدی از اقبال بیشتری در جذب مخاطب برخوردارند و همین عامل موجب شده است فیلم های کمدی چون «آینه بغل»، «خالتور» و «ثبت با سند برابر است» در جذب مخاطب موفق تر عمل کنند. خالتور، یک کمدی موزیکال است که به زندگی سه جوان موزیسین که سعی دارند اسیر موسیقی بازاری نشوند می پردازد. محمدرضا شریفی پور، نیا پور سرخ، مهران غفوریان، علی صادقی، سحر قریشی و... بازیگران این فیلم هستند.

موسیقی

اتفاقات ویژه در کنسرت «لیان»

سرپرست گروه موسیقی «لیان» پوشهر با اشاره به جزئیات کنسرت پیش روی این مجموعه موسیقایی از اجرای چند اتفاق ویژه و جدید در این برنامه خبر داد. محسن شریفیان سرپرست گروه موسیقی «لیان» پوشهر با اشاره به جزئیات تازه ترین کنسرت این مجموعه موسیقایی در تالار وحدت تهران بیان کرد: تمام تلاش خود را انجام داده ایم که در کنسرت جدید گروه «لیان» ضمن معرفی گوشه هایی دیگر از موسیقی اقوام منطقه پوشهر به معرفی موسیقی نواحی دیگر اقوام ایران نیز بپردازیم و به طور حتم این موسیقی نیز قطعاً ملودی هایی خواهد بود که مخاطبان کمتر با آن آشنا هستند.



طور دیگری فکر می کند و اعتماد ویژه ای به من دارد که من هیچ گاه از این اعتماد سوءاستفاده نمی کنم. همسر همواره در این مسیر همراهم بوده و من صمیمانه از ایشان ممنونم.

❧ و این روزها مشغول چه فعالیتی هستید؟

در حال هماهنگی اکران های مردمی فیلم «صفر تاسکو» هستیم و از طرفی هفته ای یکبار در باشگاهی در تهران با علاقه مندان به ووشو تمرین می کنیم. قبلاً همچنین باشگاهی را در استان اصفهان داشتیم و من و خواهرانم در ماه های آینده مسابقات بازی های آسیایی را در پیش داریم و از ماه اسفند تمرینات این مسابقات را شروع می کنیم که آن شاء الله اگر انتخاب شدیم به مسابقات آسیایی اعزام شویم. خواهرانم الآن در چین هستند و در آنجا به فعالیت حرفه ای خود ادامه می دهند و دو ماه آینده به ایران برمی گردند دوست دارم ورزش حرفه ای را تا جایی که در توانم هست ادامه بدهم و بعد پایه گذار مسابقه بین بیشکسوتان ووشو شوم.

کسب کردند، باعث شد که باینده فیلم «صفر تا سکو» راهم ببینند. ما هم از آن به بعد محبوب تر شدیم. تا قبل از آن در پارک تمرین می کردیم و کسی با ما کاری نداشت ولی بادم می آید که دو روز بعد از آن برنامه، به خاطر لطیفی که مردم به ما داشتند و با ما هم صحبت می شدند، مجبور شدیم تمرینمان را در پارک کنسل کنیم.

❧ اگر پیشنهاد بازی در یک فیلمی که فضای آن خارج از ورزش می گذرد به شما ارائه شود، آن پیشنهاد را می پذیرید؟

بله با کمال میل.

❧ اصالتاً اهل کجاست هستید؟

اهل سمیرم محل تولدمان دو ساعت با اصفهان و یک ساعت و نیم با یاسوج فاصله دارد و اطرافمان روستاهایی وجود دارد که لر نشین و ترک نشین هستند ولی زبان خود ما فارسی است.

❧ همسر تان در مسیر موفقیت شما چقدر تأثیر گذار بوده است؟

همسر در فرهنگی بزرگشده که معمولاً در آن خانم ها کمتر کنشگری می کنند ولی خود ایشان

توسط میخائیل پلیمزافوف نوشته شده است.

برشی از این داستان را می خوانیم: «در خانه به چشم تازه ای به آینه نگاه کردم. دست هام را با تحقیر برانداز کردم. هر کدامشان به طناب پارکی شباهت داشت که در مفصل آرنج ره ملوانی خورده باشد. همانند انسان نخستین پس از خوردن سیب، ناگهان از پایا ی برهنه و رنگ پریده ام که به کلکک شباهت داشت، به شرم آدمم. برای بنیایم ا اتفاق افتاده بود؛ دیگر خودم را ظرفی حاوی روح و اندیشه نمی دیدم. آنچه به چشمم می آمد، چیزی نبود جز تنی نحیف و مچاله». ایسن اثر را از کاترینرفوشی های معتبر با قیمت ۱۶۰۰۰ تومان می توانید خریداری کنید.

حراج برای نقاشی و دیگر آثار هنری باقیمت های کلان بر گزار شده؛ اما این اثر در حوزه هنر های تخصصی دیده نشده، توضیح داد: هیچوقت این نوع بازارها در ایران نبوده، حتی در زمان حکومت قبل هم، چنین بازارهایی نداشتتاهیم. در زمان حاضر هم ایسن بازار هیچ جوازی ندارد و مثل خیلی از چیزها تقلیدی و توأم با سوءاستفاده است. تابلوها باید به وسیله کارشناسان خُبره و موردقول فرهنگ و قانون به حراج برسند. وقتی این معرفی و تأیید نباشد درواقع مردم پولشان را هدر داده اند؛ یعنی آثاری را می خردند که ممکن است جعلی باشد و اسیر یک عده سوءاستفادهچی شوند. این بازارهای فعلی کارشناس و جوازی ندارند. اگر کلاه سر کسی بگذارند، فرد نمی تواند شکایت کند؛ چون کسی را نمی تواند پیدا کند. کسی مسئولیت قبول نمی کند. چون ما به آثار تخصصی و هنر، ارزش کالایی نداده ایم، خریداران هنر هنوز هم دولت ها هستند. این دولت ها هستند که مثلاً برای چند تن از شاعران و بزرگان می خواهند تندیس بسازند و در جایی قرار دهند. ما سفارش دهنده و خریدار خصوصی نداریم و ععدی هم در کار نیست. تجسمی فقط مجسمه نیست. آنچه که در میدان نقش جهان وجود دارد، تجسمی است که همه شان هم فروش می رود. غربی ها از آن طرف می آیند و می خردند و خودی ها هم از این طرف.

گالری

بیکرهای غیرطبیعی

نمایشگاه طراحی آنهاییتاعصیان با عنوان «گرپیگری» در گالری آرت پریاست. این هنرمند می گوید: از سه سال پیش روی این مجموعه کار کردم و حاصل آن ۹۰ اثر بود که از میان آن ها ۴۸ تابلو را برای نمایشگاه انتخاب کردم. این آثار با خود کار روی مقوا کار شده و تمام برتره های موجود در آثار، کلاژ شده اند. ابتدا تعدادی برتره از مجلات انتخاب کردم و سعی چهره ای که می بینم یک بدن طراحی کنم. این بدن هادر لحظه وبدون هیچ پیش طرحی کشیده شده اند.



خروس نشان

آثار نقاشی خط مهرداد فلاح و مجسمه های علیرضا مجیدی در نمایشگاهی تحت عنوان «خروس نشان» در گالری فردا به نمایش درمی آید. در نمایشگاه «خروس نشان»، آثار نقاشی خط مهرداد فلاح و مجسمه های علیرضا مجیدی روی دیوار می رود که در آن ها این هنرمند یکی با مجسمه و دیگری با نقاشی خط به موضوع خروس پرداخته و این موجود را با یک گفتمان مشترک و با دیدگاه خودساخته و پرداخته اند. در این نمایشگاه ۱۱ تابلو از فلاح و ۱۱ مجسمه از مجیدی و نیز یک چینمان با تابلو از فلاح به نمایش درمی آید.

